

عنوان: استاد مطهري : متفكر نظريه پرداز

پديدآورنده: مطهري، مرتضي؛ نصري، عبدالله

نشریه: جمهوري اسلامي،: ۸۳/۲/۲۱

بازيابی: ۱۵۱۰۰۸۰۳

اشاره

به مناسبت بيست و پنجمين سالگرد شهادت متفكر شهيد استاد مطهري همایش حکمت مطهر به مدت سه روز در تهران برگزار گردید و روز چهارم در سالن همایش های مدرسه دار الشفا قم ادامه یافت و عالمان و اساتید حوزه و دانشگاه به بحث پیرامون ابعاد شخصیتی استاد شهید پرداختند.

مطلبي که پیش روی شما قرار دارد توسط دکتر عبدالله نصري به عنوان عناصر لازم برای تولید فکر و اندیشه با تطبیق بر شخصیت شهید مطهري بیان گردید. ضمناً باید یادآور شد که خلاصه ای از سخنرانی ایشان منعکس می شود. اینکه کسی به مرحله ای برسد که نظریه پردازي کند و بتواند تولید علم نماید؛ باید از لحاظ فکري و رواني دارای ویژگی هایی باشد که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱ - جدي گرفتن تفکر؛ برای اینکه يك متفكر به مرحله تولید فکر و اندیشه برسد درجه اول باید تکلیف خودش را با خودش مشخص کند و این را بداند که لازمه تفکر خلوت با خود است و اینکه ذهن يك آسایش خاطر ي و يك حضوري داشته باشد. چرا که درگیری با مشاغل بسیار و کارهای زیاد نشانه جدي نگرفتن تفکر است. استاد مطهري تفکر را بسیار جدي می گرفت و از همین رهگذر به تولید فکر و اندیشه موفق می شد.

۲ - مدیریت ذهن؛ مدیریت کردن ذهن در مسئله تولید فکر نقش زیادی دارد. استاد شهيد روي این مساله تاکید دارد و در بحث های گوناگون به آن توجه می دهد. در بحث رشد این نکته را یادآور می شود که مطالعات باید نظام مند باشد و هر چیزی در جایگاه خودش باشد. ایشان در بحث تعلیم و تربیت روي درست درس خواندن تاکید می کند نه زیاد استاد دیدن، که همه این موارد در راستای مدیریت ذهن است.

۳ - ذهن مسئله یاب داشتن؛ يك متفكر شکارچی مسائل است و فرق عالم و متفكر در این است که متفكر می داند که باید به کدام مسئله بپردازد و کدام مسئله اولویت بررسی دارد. شهيد مطهري ذهن مسئله یاب عجیبی داشت. در همان ماههای اول پس از پیروزي انقلاب اسلامي با تعدادی از دوستان از استاد درخواست کردیم که درسی برای ما داشته باشد. ایشان با ما شرط کردند که در کنار درس يك تحقیق جمعی داشته باشیم. موضوع پیشنهادی استاد این بود که بررسی شود مکتب مارکسیسم وقتی در کشورهای مختلف حکومت را در اختیار گرفت با چه مسائلي درگیر بود و چه دستاوردي داشت و چه مشکلاتي پیدا کرد. ما آن زمان عمق پیشنهاد ایشان را در نیافته بودیم و بعدها متوجه شدیم در پس ذهن استاد این مطلب وجود داشت که دریابد حالا که اسلام به عنوان يك ایدئولوژی حکومت را بدست گرفت با چه مسائلي درگیر خواهد شد.

۴ - پرسش های بسیار دقیق برای شکافتن مسائل؛ يك راه برای روشن کردن ابعاد يك مسئله و شکافتن بیشتر آن، پرسش های دقیق مطرح کردن است و از همین طریق تولید علم صورت می گیرد و نظرات جدید پدید می آید. شهيد مطهري در مسائل علمي اینگونه بود. ایشان در بحث ماده و صورت، نظر جدیدی دارد. درست است که براساس مبانی صدرایی بحث می کند، ولی استنتاجات ویژه ای دارد و این در گرو ۱۲ پرسشی است که پیرامون این مساله مطرح می کند. استاد در مباحث معرفتشناسي اینگونه به بررسی می پردازد و يك نظام معرفتشناسي ارائه می کند. روش ایشان در مسائل بسیاری اینگونه است.

۵ - توجه به تحلیل مفاهیم ; عنصر دیگری که متفکر را در امر تولید فکر و عرضه نظر جدید یاری می کند , توجه او به تحلیل مفاهیم يك مسئله می باشد.

شهید مطهری به این مسئله توجه بسیار داشت و در بحث های خویش به مانند فیلسوفان تحلیلی به تحلیل مفاهیم توجه داشت . او اول مفاهیمی مانند عبادت , تربیت و.... را تعریف می کند و پس از روشن کردن مفهوم بحث را پی می گیرد.

مثلا در بحث هگل که يك فیلسوف ایده آلیستی است , باز تحلیلی بحث می کند. به نظرم چون او فلسفه ابن سینا را خوب خوانده بود و با تدریس زیاد الهیات , شفا و نجات ساختار ذهنی تحلیلی پیدا کرده بود; چرا که ابن سینا از حیث روش , يك فیلسوف تحلیلی بسیار بزرگی بود , در این زمینه توان بالایی داشت .

استاد مطهری با برخورداری از این ویژگی نکته یابی هایی در تحلیل فلسفه هگل دارد که ما در آثار اساتید متخصص فلسفه هگل آنها را نمی یابیم .

۶ - یادداشت برداری های منظم ; یادداشت برداری منظم نشانه نظم در ذهن است و نتایج خوبی هم دارد. استاد شهید در این زمینه خیلی دقیق بود و در این سالهای اخیر بخشی از یادداشت های ایشان در دسترس اهل فکر و فرهنگ قرار گرفت و هر کسی آنها را ملاحظه کند, منهای محتوای مطالب از این نظم دقیق استاد درس نظم در مطالعه و یادداشت برداری را می آموزد.

۷ - تصویر اجمالی از مسئله مورد بحث ; يك متفکر پرونده مسائل علمی را در ذهن خودش نمی بندد و همواره پرونده مسائل را مفتوح نگاه می دارد و به تکمیل آنها می پردازد. استاد همیشه پس از طرح اجمالی مسائل به بحث تفصیلی آنها می پرداخت مثلا بحث انسان کامل را در قالب يك جلسه سخنرانی مطرح کرد و بعدها مباحثی بر آن افزود و نتیجه همین کتابی شد که در دسترس می باشد موضوع علل گرایش به مادگرایی , عدل الهی , خدمات متقابل اسلام و ایران و... اینگونه به بار نشست .

۸ - برای هر مطلبی پروژه تحقیقاتی داشتن ; برای اینکه مطلب علمی تازه ای تولید شود باید پیرامون آن تحقیقات صورت گیرد و از روی مطالعه و با دقت پیرامون آن اظهار نظر گردد. شهید مطهری نه تنها برای کتاب های خود اینگونه عمل می کرد , که حتی برای منبرهای خود هم پروژه تحقیقاتی داشت .

۹ - مطالعه اندیشه های گوناگون ; يك متفکر با يك محقق تفاوت دارد , چرا که متفکر با اندیشه سر و کار دارد و باید از اندیشه های دیگران و افکار بیگانه با فکر خودش باخبر باشد.

مرحوم مطهری به صورت جدی به فلسفه غرب توجه داشت و ارکان اندیشه فلاسفه غربی را خوب می شناخت و به تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی آنها می پرداخت .

بله او کانت شناس نبود و به جزئیات کار او از این زاویه توجه نداشت . بلکه با اندیشه او سر و کار داشت و در این حد با دیدگاههای فلسفی دنیای غرب در زمان خودش به خوبی آشنا بود.

۱۰ - حرکت در متن اندیشه ها; متفکری موفق به تولید فکر و اندیشه می شود که وقتی با افکار و اندیشه های دیگر مواجه می شود در متن افکار او حرکت کند و از حاشیه روی بپرهیزد. او باید در فضای افکار بیگانه زیست فکری کند تا به هنگام نقد آن افکار با توجه به مبانی فکری نقادی نماید. اینگونه افراد کم هستند و مرحوم مطهری از آنان بود که وقتی با اندیشه های بیگانه مواجه می شد در متن افکار آنان حرکت می کرد.

استاد شهید با آگاهی از این عناصر و پایبندی به آنها توانست افکار روشنگرانه ای تولید کند و تاثیر سازنده ای در جامعه اسلامی داشته باشد.

مرحوم مطهری به صورت جدی به فلسفه غرب توجه داشت و ارکان اندیشه فلاسفه غربی را خوب می شناخت و به تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی آنها می پرداخت .

استاد مطهری تفکر را بسیار جدی می گرفت و از همین رهگذر به تولید فکر و اندیشه موفق می شد.